

اسلام در آسیای مرکزی

مهدی سنایی



حال پس از ظهور اسلام، این مکتب توحیدی به صورت اعتقاد غالب در منطقه درآمد.^۱

اسلام همچنین بخشی از فرهنگ مردم آسیای مرکزی است که عملکرد مؤثری در تاریخ این مناطق داشته است. گرچه گرویدن به دین مبین اسلام در مناطق مختلف آسیای مرکزی، به دوره‌های متفاوت تاریخ بازمی‌گردد، به صورتی که در برخی مناطق، این سابقه، به قرون اولیه پس از هجرت و در برخی مناطق دیگر (مانند بخشی از قزاقستان) به قرون هجده و نوزده بازمی‌گردد. اما سنن و رسومات همه این مناطق به وضوح متأثر از اسلام است. سیابان‌نشین‌های آسیای مرکزی حدوداً در سال ۶۸۰

اسلام بخشی از هویت مردمان آسیای مرکزی است که، قبل از استقلال این جمهوری‌ها، نقش مؤثری را در وحدت قومی و ملی مردم ایفا نموده است. حضور اسلام در آسیای مرکزی به قرون اولیه هجری بازمی‌گردد. پیش از اسلام نیز مذاهب توحیدی در این منطقه ریشه یافته بود. یهودیت کهن‌ترین مذهب اعتقادی توحیدی در این منطقه است. یهودیان روابط تجاری و بازرگانی وسیعی با همسایگان منطقه‌ای ایجاد نمودند.

آسیای مرکزی محل تماس‌های بشری و روابط متقابل فرهنگی و تبادل افکار بوده است و کیش‌های متعددی در آن تبلیغ شده و در طول دوره‌هایی گسترش یافته‌اند. با این

اسلام بخشی از فرهنگ مردم آسیای مرکزی است که عملکرد مؤثری در تاریخ این مناطق داشته است

میلادی، به اسلام گرویدند. اوج شکوفایی اسلام در این منطقه به حکومت اسلامی در بغداد استوار گردید. در طول این دوران و پس از آن، آسیای مرکزی، به عنوان بخشی از مناطق اسلامی محسوب می‌شد و از طریق جاده ابریشم با کشورهای مسلمان مرتبط بود. در طول این دوران مساجد و مدارس مذهبی فراوان تأسیس و رونق یافت.

برای اولین بار و پس از سقوط قازان در اواسط قرن شانزدهم، مسلمانان، تحت حکومت روسیه تزاری درآمدند. پس از این و به تدریج مناطق بیشتری تحت سلطه روسیه درآمد. با این حال تا اوایل قرن بیستم، هنوز اسلام به عنوان عنصری رسمی در زندگی و جامعه مردمان این مناطق ایفای نقش می‌نمود. با استقرار حکومت کمونیستی، روند اسلام‌ستیزی آغاز شد و هزاران مسجد و مدرسه مذهبی تخریب گردید. در طی این دوره، ترکستان تجزیه شد و برنامه تشکیل خلق جدید شوروی به اجراء درآمد که در طی آن چندین بار مسلمانان به شدت سرکوب شدند. این سرکوبی‌ها در سه مورد به تبعید بخش عظیمی از مسلمانان دیگر مناطق به آسیای مرکزی انجامید. یک بار گروه کثیری از تاتارها به اتهام تماس با آلمانی‌ها توسط استالین، بار دیگر، تعدادی از مسلمانان از جنوب گرجستان و یک بار هم بخشی از مسلمانان چین، اینگوش و داغستان به مناطق مختلف آسیای مرکزی تبعید شدند.^۲ همین مهاجرت‌ها امروزه به صورت پدیده تنوع ملیت‌های مختلف مسلمان در آسیای مرکزی مشاهده می‌شود. در سرزمین شوروی بیشتر مسلمانان در آسیای میانه، قفقاز و ساحل رود ولگا زندگی می‌کنند. اغلب مسلمانان شوروی پیرو فرقه حنفی (یکی از چهار فرقه مذهب تسنن) هستند. علاوه بر این در قفقاز پیروان مذهب شافعی (یکی دیگر از چهار فرقه مذهب تسنن) و در تاجیکستان نیز بخشی از پیروان مذهب اسماعیلی زندگی می‌کنند. مسلمانان ماوراء قفقاز هم شیعه و هم سنی هستند.

در اتحاد شوروی در دوره حکومت بلشویک‌ها فرهنگ اسلامی به صورت جدی مورد سرکوب قرار گرفت. در اصل مارکسیسم که مبنای اولیه حکومت بلشویک‌ها بود، خود نافی هرگونه مذهب بود اما

جهت‌گیری‌های بعدی نشان داد که بیش از همه اصول فرهنگ اسلامی به ویژه در مناطق مسلمان‌نشین آسیای مرکزی و قفقاز مورد تهاجم قرار گرفته است. این اسلام‌زدایی از طریق سیاست‌های ضد مذهبی رسمی، اصلاح آموزش و پرورش، نفی ساختارهای مذهبی و سنتی پیشین و برنامه روسی کردن از طریق تغییر زبان و ساکن کردن جمعیت روسی در این مناطق انجام گرفت. حکومت اتحاد شوروی برای اطمینان از تحت کنترل درآمدن امور مربوط به اسلام و مسلمانان با ایجاد نهادهای رسمی تلاش نمود که حداقل به نحو صوری نیز رهبریت اسلامی را نگاهداشته و در اصل در همان چهارچوب حکومت بلشویک‌ها به طور محدود به این نهادها اجازه فعالیت دهد.^۳

مطالعات قبل و پس از فروپاشی شوروی نشان می‌دهد که بلشویک‌ها نتوانسته‌اند اسلام را از زندگی مردم مسلمان آسیای مرکزی حذف نمایند و فرهنگ اسلام به صورت جدی نقش خود را در زندگی مردم این مناطق ایفا می‌نموده است. در حالی که در دوره حکومت تزار آزادی ادیان وجود داشته است. دولت کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، طی دو مرحله به اسلام‌زدایی در آسیای مرکزی و شیوع فرهنگ روسی در این مناطق دست زد.

در مقابل این موج اسلام‌ستیزی که از سوی دولت مرکزی اتحاد جماهیر شوروی آغاز شده بود، دو نوع مقاومت از جانب مردم آسیای مرکزی بروز کرد:

ابتدا اینکه در مناطق مختلف جنبش‌هایی نظیر نهضت باسماچی و قیام مردم باشقیر و... به وقوع پیوست که به شدت از جانب روسیه مرکزی سرکوب شد. در ۱۹۲۹ در محاکم معروف تاشکند عده کثیری از مسلمانان به نام «پیشوایان نهضت» به محاکمه کشیده شدند.

دیگر اینکه، مردم تلاش نمودند طی یک مقاومت درون گروهی، سنن و آداب قومی و اسلامی خویش را حفظ نمایند. ازدواج‌های درون گروهی یکی از سمبل‌های مهم حفظ سنن و تعصبات مذهبی و قومی در آسیای مرکزی بوده است. فرقی‌ها ۹۵٪، قزاق‌ها ۹۳٪، ترکمن‌ها ۹۰٪، ازبک‌ها ۸۶٪ ازدواج‌هایشان قومی و درون گروهی بوده است. این در حالی است که در قزاقستان، نزدیک به نصف جمعیت را ملیت‌های اروپایی و در قرقیزستان، یک



انگاشته می‌شد مبنی بر اینکه جدا نمودن مردم مسلمان از اسلام به‌طور کلی و برداشتن فرهنگ دینی از صحنه زندگی مسلمانان غیرممکن است.

در سال ۱۹۴۶ میلادی (۱۳۲۵ هـ ش) چهار مرکز مستقل برای اداره امور دینی مسلمانان شوروی ایجاد شد.^۵ اداره روحانی مسلمانان آسیای میانه و قزاقستان در شهر تاشکند، مرکز روحانی مسلمانان بخش اروپایی اتحاد شوروی و سیبری در شهر «اوپا»، اداره روحانی مسلمانان قفقاز شمالی در شهر «ساخاچ قلعه» و اداره روحانی مسلمانان ماوراء قفقاز در شهر باکو قرار دارد. سه اداره اول امور دینی مسلمانان سنی مذهب را مدیریت می‌نمایند و در رأس آنها مفتی قرار دارد. اداره روحانی مسلمانان ماوراء قفقاز نیز که شامل مسلمانان سنی و شیعه است تحت ریاست شیخ‌الاسلام می‌باشد. رؤسای ادارات روحانی در کنگره نمایندگان روحانیون و متدینین به اسلام انتخاب می‌شوند.

اداره روحانی مذکور کار صدور فتوی، حل مسائل دینی، ارسال پیام برای مسلمانان و اعزام مسلمانان برای زیارت مکه و دیگر اماکن مقدسه را به عهده دارند. اداره روحانی آسیای مرکزی و قزاقستان امور فرق دینی موجود در پنج جمهوری را رهبری می‌کند. این اداره از شعبات مختلف فتوی، نمایندگی‌های اداره در جمهوری‌ها، شعبه روابط بین‌المللی و هیئت تحریریه مجله در میان مسلمانان خاور شوروی برخوردار است. اداره دینی آسیای مرکزی و قزاقستان با حوزه‌های علمیه در دیگر

چهارم جمعیت را روس‌ها تشکیل می‌دهند. با وجود سرکوب‌های شدید در آسیای مرکزی، برنامه تشکیل خلق جدید شوروی و تحت‌الشعاع قرار دادن ملیت‌های مختلف مسلمانان، ناکام ماند و مردم این نواحی در شکل اسلام رسمی و غیررسمی (که به آن اشاره خواهد شد) سنن و آداب خویش را حفظ نمودند. همین عدم موفقیت در محو ملیت‌ها توسط حکام کمونیست است که از جانب برخی نویسندگان به عنوان یکی از عوامل اصلی فروپاشی شوروی تلقی شده است.^۶ در اینجا به دو پدیده در آسیای مرکزی اشاره می‌کنیم: ابتدا تفکیک میان اسلام رسمی و غیررسمی و سپس وجود فرقه‌های متعدد تصوف در این نواحی.

اسلام رسمی و غیررسمی

در سرزمین اتحاد شوروی سابق بیش از ۴۰ مذهب و فرقه دینی وجود دارد. مسیحیت در این میان از رتبه اول برخوردار است و اسلام دارای مقام دوم است. اغلب مسلمانان در جمهوری‌های آسیای مرکزی، آذربایجان، تاتارستان و باشقیرستان زندگی می‌کنند. در زمان حکومت بلشویک‌ها با توجه به اینکه از سوی آزادی ادیان اعلام شده بود و از سوی دیگر دولت نمی‌خواست مذهب به عنوان یک عامل محرک و مؤثر در زندگی مردم نقش داشته باشد، مراکز برای اداره امور مسلمانان شوروی ایجاد شد. به وجود آمدن این مراکز در واقع به عنوان یک نوع اعتراف از جانب حکام شوروی

یکی از کارهای عمده ادارات دینی در جمهوری‌های شوروی چاپ متون دینی بوده است

در سال ۱۹۵۸ میلادی (۱۳۳۷ ه.ش) انستیتوی «امام اسماعیل بخاری» نیز از جانب اداره روحانی آسیای مرکزی و قزاقستان تأسیس شد.^۷ این مؤسسه با برنامه‌های آموزش دانشگاهی اداره شده و در آن دانشجویان فراوانی از رشته‌های مختلف فقه، تفسیر و... تربیت یافته‌اند. روحانیون تربیت شده در این دو مؤسسه آموزشی پس از چند سال تحصیل به عنوان ائمه جماعات مساجد مختلف شهرهای آسیای مرکزی انجام وظیفه می‌نمودند و به تبلیغ و ترویج اسلام و حل مشکلات و مسائل دینی مردم مسلمان می‌پرداختند. توسط اداره روحانی آسیای مرکزی و قفقاز مساجد مختلفی نیز در شهرهای متعدد اداره می‌شده است و

کشورهای اسلامی به ویژه جامعه الازهر مصر روابطی داشته است.

یکی از کارهای عمده ادارات دینی در جمهوری‌های شوروی چاپ متون دینی بوده است. طبق گفته برخی نویسندگان، در سی سال اخیر در شوروی قرآن مجید ۹ بار به چاپ رسیده و منتشر شده است.

در مسکو در سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ (۱۳۴۸ و ۱۳۶۵ ه.ش) دوبار قرآن به زبان روسی، به برگردان «کراچکفسکی» متخصص مشهور زبان عربی، چاپ و منتشر شده است. این برگردان در سراسر خاک شوروی و به ویژه در جمهوری‌های آسیای مرکزی بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. الجامی الصحیح به قلم امام البخاری، زندگینامه امام البغاری در دو جلد، الشمائل النبویه، دستور زبان عربی، هدایت النش، اصول الفقه، المنطالعات الازهریه و ده‌ها کتاب دیگر از جمله کتاب‌هایی است که توسط اداره دینی آسیای مرکزی و قزاقستان به چاپ رسیده است. از سال ۱۹۶۸ در تاشکند مجله مسلمانان حاضر شوروی به زبان‌های عربی، فارسی، دری، انگلیسی، فرانسه و ازبکی چاپ می‌شده است. در این مجله مقالات دینی، فتاوی و دیگر مطالب مربوط به امور دینی چاپ می‌شده است.^۶

همچنین مرکز دینی آسیای مرکزی و قزاقستان دو مؤسسه آموزشی «مدرسه میرعرب» در بخارا و انستیتوی امام اسماعیل بخاری در تاشکند را تحت اداره خود دارد. عموم روحانیون رسمی جمهوری‌های آسیای مرکزی تربیت یافته این دو مدرسه هستند. تأسیس مدرسه میرعرب در بخارا به اوایل قرن ۱۶ میلادی (اواخر قرن ۹ هجری) بازمی‌گردد. شیخ قاضی عسکر عالم نامدار قرن ۱۹ میلادی (۱۳ هجری) میان مالک مفسر و محدث برجسته اواخر قرن ۱۹ میلادی (قرن ۱۳ - ۱۴ ه.ش) و صدرالدین عینی از دانشمندان معروف تاجیک در همین مدرسه تربیت یافته‌اند. پس از تأسیس اداره روحانی آسیای مرکزی و قزاقستان، در سال ۱۹۴۶ میلادی (۱۳۲۵ ه.ش) این مدرسه تحت مدیریت این مرکز قرار گرفت. مدرسه میرعرب یکی از مدارس دینی شناخته شده در جهان اسلام است که طلاب فراوانی را در رشته‌های مختلف علوم دینی تربیت نموده است.



آنچه که ملیت‌های مسلمان را تقریباً دست نخورده باقی گذاشته روحیات مذهبی و پایبندی مردم به اصالت خویش بوده است

گذاشت. امروز، جمهوری‌های آسیای میانه در حال بازیابی هویت خویش، به عنوان جزئی از جامعه واحد کشورهای مسلمان هستند.

ب. تئوری «زندگی روزمره» می‌تسل دوسه‌تو^۸ نیز به خوبی می‌تواند این پدیده را توضیح دهد. مراد وی این است که همه مردم با عقاید بزرگ و آرمانی زندگی نمی‌کنند، بلکه یک برنامه روزمره زندگی اوقات آنان را پر می‌کند. اسلام نقش مهمی را در نقشه روزمره زندگی مردمان آسیای مرکزی داشته است و به این صورت هویت اسلامی این جوامع حفظ شده است.

تصوف

طریقت‌ها و مسالک مختلف مذهبی، نقش عمده‌ای را در آسیای مرکزی ایفا نموده است. مسلک‌های نقشبندیه، کبرویه، طریقت یاسوی، قادریه و چشتیه، از مسالک مهم این منطقه به شمار می‌روند.

این فرقه‌های تصوف، در دوره‌های متفاوت در آسیای مرکزی شیوع یافته است. مهم‌ترین آنها، مسلک نقشبندیه است. این طریقت در قرن ۱۴ میلادی (۸ هجری) توسط بهاء‌الدین نقشبند پایه‌گذاری شد و سپس به تدریج از طریق راه ابریشم، از ایران و آسیای مرکزی، به چین رسید. این فرقه در ایران، هند، ترکیه و بالکان نیز پیروانی دارد. شیرین آکیز در زمینه تصوف در آسیای مرکزی چنین می‌گوید:

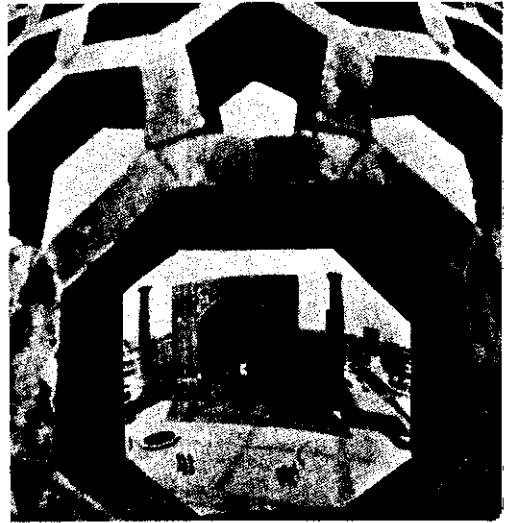
«از همان ابتدای اشاعه اسلام در این خطه، تصوف در ازبکستان رو به شکوفایی نهاد. بخارا و خیوه که دو مرکز از مهم‌ترین مراکز تعلیمات صوفیه در قرون وسطی به شمار می‌رفتند در ازبکستان کنونی واقع‌اند. هر دوی این مراکز در اشاعه مکاتب تصوف در کل جهان اسلام از اهمیت شایانی برخوردار هستند. نجم‌الدین کبری (۱۲۲۱ - ۱۱۴۵م) (۶۰۰ - ۵۲۴ ه.ش) در خیوه به تعلیم طریقتی پرداخت که به کبرویه مشهور است و بهاء‌الدین نقشبندیه (۱۳۸۹ - ۱۳۱۸م) (۷۶۸ - ۶۹۷ ه.ش) در بخارا مسلک نقشبندی نفوذ معروف به طریقت خواجگان را اشاعه داد. این دو مخصوصاً نقشبندیه ریشه‌داری یافت و در سراسر آسیای میانه و قفقاز، نواحی ولگا، آناتولی، کردستان و هند منتشر شد. اکنون نیز صاحب بزرگ‌ترین فرقه تصوف

روابط مستمری میان اداره با این مساجد وجود داشته است. آنچه از جانب اداره روحانی عمل می‌شده است در واقع عملکرد اسلام رسمی و دولتی را در این جمهوری‌ها نشان می‌دهد، اما کارکرد اسلام در این جوامع منحصر به همین نبوده است و مجاری غیررسمی تبلیغ و ترویج اسلام نیز قابل توجه است.

اسلام غیررسمی در شوروی عبارت بود از وجود روحیات مذهبی خودجوش در میان مردم، فعالیت ملاهایی که از نظر مراکز مذهبی رسمیت نداشتند، حفظ ارتباط و محبت خود با مقدّسات اسلام در زندگی و نهایتاً و در یک کلام حفظ اسلام در چهارچوب سنن و آداب قومی. هر چند که وجود مراکز رسمی اسلامی در حفظ اسلام در آسیای مرکزی مؤثر بوده است اما آنچه که ملیت‌های مسلمان را تقریباً دست نخورده باقی گذاشته است و نهایتاً برنامه ایجاد خلق واحد در شوروی را ناکام گذاشته است، روحیات مذهبی و پایبندی مردم به اصالت خویش بوده است. همین اسلام غیررسمی بود که موجب شد همزمان با اجرای اصلاحات پروستریکا، بانگ اذان از میان تجمعات مردم و از مناره‌های مساجد برخیزد و نغمه توحید را به سراسر شهرها و روستاها برساند. طریقت‌های مختلف در آسیای مرکزی، عهده‌دار اصلی حفظ دین در میان مردم بوده‌اند و به صورت غیررسمی شیوه زندگی اجتماعی مردم را بخصوص در جوامع دور از شهرهای بزرگ شکل می‌داده‌اند.

نقش اسلام غیررسمی در زندگی مردم این مناطق را در دو قالب مختلف، به خوبی می‌توان توضیح داد:

الف. در میان مسلمانان سه نوع وفاداری به اسلام وجود دارد: وفاداری قبیله‌ای، وفاداری ملی و وفاداری فراملی. اگرچه وفاداری‌های ملی و فراملی اسلامی در حکومت کمونیستی به سستی گرایید و این روحیه در میان مردم به ظاهر پژمرده شد، اما مردم این مناطق در روابط درون قبیله‌ای خود، قواعد اسلام را حفظ نمودند و در واقع به این وسیله ابراز داشتند که: هرگز هویت ملی خویش را در یک حکومت کمونیستی جستجو نمی‌نمایند. همین ارزش‌های اسلامی در قالب سنت‌های قبیله‌ای بود که به محض ایجاد فرصت در زمان پروستریکا، وفاداری ملی اسلامی را به منصف ظهور



خواجه احمد یسوی بسیار مورد احترام مردم مسلمان آسیای مرکزی است و مقبره وی زیارتگاه مشتاقان از قزاقستان و سایر جمهوری‌های همجوار است. همچنان که مردم نواحی مختلف آسیای مرکزی برای زیارت مقبره امام بهاء‌الدین نقشبند و حاجت خواستن از او راهی شهر بخارا می‌شوند، عده بسیاری نیز راه درازی را تا ترکستان برای زیارت مقبره خواجه احمد یسوی طی می‌کنند. نویسنده خود در هر دو مکان مذکور شاهد حضور جمعیت زائر و احترام و تقدیس نسبت به این مکان‌های مقدس از جانب مردم بوده است. قزاق‌ها زیارت مقبره خواجه احمد یسوی را حج اصغر می‌دانند و به هر مسافری پس از بازگشت از ترکستان «زیارت قبول» می‌گویند. حکومت قزاقستان نیز به خواجه احمد یسوی ارج فراوان گذاشته است و پس از استقلال شهر ترکستان را به عنوان یک پایتخت معنوی مورد توجه فراوان قرار داده است.

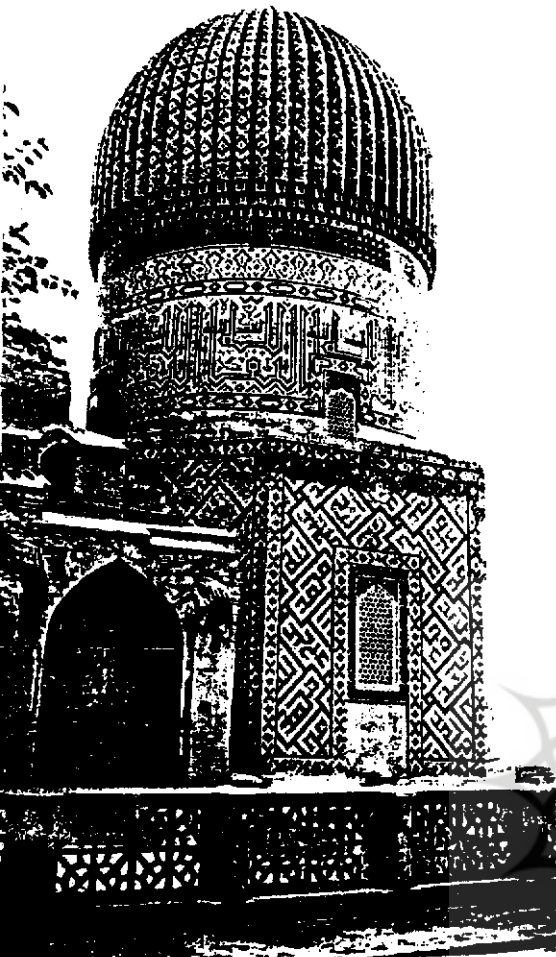
نقشبندیه، بزرگ‌ترین فرقه صوفیه در دنیاست. پیروان این فرقه از آسیای مرکزی تا سواحل بالکان و یوگسلاوی و در هند و شبه قاره پراکنده‌اند. این طریقت خدمات فراوانی را در حفظ و گسترش اسلام در نقاط مختلف دنیا داشته است. یکی از اصول اساسی این طریقت احترام به سلف صالح است که این فرقه را اگرچه از صوفیه اهل سنن است به مکتب شیعه بسیار نزدیک نموده است. چنان که اشاره شد مقبره امام بهاء‌الدین نقشبند مؤسس این طریقت در بخارا نیز بسیار مورد توجه مردم منطقه است و بسیاری از مردم که از راه دور برای زیارت این بارگاه می‌آیند بخشی از راه را برای طلب حاجت به صورت پیاده طی می‌کنند.

به هر حال، تشریح نقش تصوف در آسیای مرکزی، که خود بخشی از کارکرد اسلام غیررسمی را نشان می‌دهد نیاز به تحقیقی جداگانه دارد؛ اما قابل توجه است که این طریقت‌ها چگونه به عنوان «حرس» و نگهبان اسلام ایفای نقش کرده و در حفظ اسلام مؤثر بوده‌اند. این طریقت‌ها روحانیون بسیاری را تربیت کرده‌اند که در میان مردم از نفوذ فراوان برخوردار بوده‌اند و در دوران کمونیستی نیز روحانیون تربیت یافته این طریقت‌ها اگرچه در چهارچوب ادارات قاضیات رسمی جایگاهی نداشته‌اند اما رهبری

است و همچنان پیروانی را در خاور و باختر به خود جذب می‌کند.^۹

«قادریه» نیز فرقه‌ای است که با ورود چین و اینگوش‌ها به قزاقستان و پس از انقلاب اکتبر به عنوان یک فرقه منسجم تأسیس شد. در مورد قادریه دو نکته قابل توجه است: ابتدا اینکه چین‌ها و اینگوش‌ها نقش بسیار مهمی را در حفظ اسلام نه تنها در منطقه قفقاز که در کل اتحاد شوروی به ویژه آسیای مرکزی داشته‌اند. دیگر اینکه قزاقستان در دهه‌های مختلف حکومت بلشویک‌ها پناهگاهی بوده است برای مهاجرینی که از دیگر جمهوری‌ها مجبور به مهاجرت شده‌اند. چین و اینگوش‌ها در دوره حکومت استالین در مقاومت و مبارزاتی که با حکومت مرکزی داشتند مجبور به مهاجرت شدند. عده‌ای از گروه مهاجرین در قزاقستان سکونت گزیدند. قادریه نیز فرقه‌ای است که محصول سکونت این گروه‌ها در قزاقستان بوده است و نقش مهمی را در حفظ اسلام در قزاقستان داشته است.

«طریقت یسوی» نیز با رهبریت «خواجه احمد یسوی» یکی از فرقه‌های بانفوذ صوفیه در قزاقستان و طریقتی مشهور در کل آسیای مرکزی است. خواجه احمد یسوی از جنوب قزاقستان برخاست و با الهام از مسلک نقشبندیه طریقت جدیدی را بنا نهاد. خواجه احمد یسوی و شاگردان وی تأثیر بسزایی در تبلیغ و ترویج اسلام در جنوب قزاقستان داشتند. مقبره خواجه احمد یسوی توسط امیر تیمور بنا شد و زیارتگاه مشتاقان است. مقبره وی که در شهر ترکستان در استان جنوبی قزاقستان به نام «چیمکنت» قرار دارد به دست معماران و استادکاران ایرانی و با سبک معماری اسلامی - ایرانی ساخته شده است.^{۱۰}



مذهبی را در میان مردم در دست داشته‌اند.

به عنوان نمونه در قرقیزستان در حالی که «عبدالمجید قاری» امام مسجد جامع بیشکک سالیان دراز از جانب «اداره قاضیات» این جمهوری این منصب را عهده‌دار بوده است، اما محبوبیت و نقش رهبری مذهبی در دست «الیاس تقصیر» و شاگردان وی است که زاهد و صوفی مسلک می‌باشند. الیاس تقصیر عالمی است داغستانی که سهم بزرگی در حفظ اسلام در قرقیزستان داشته است و شاگردان بسیاری را تربیت کرده است. وی ساکن روستایی در ۲۵ کیلومتری بیشکک مرکز قرقیزستان می‌باشد و در آنجا مدرسه علمیه‌ای دارد که پس از استقلال یافتن جمهوری‌های شوروی، رونق بسیار یافته است و دارای نزدیک به صد طلبه است. در جمهوری‌های دیگر نیز این موضوع به‌طور متعدد دیده می‌شود که روحانیون غیررسمی دارای جایگاه و محبوبیت بیشتری نسبت به روحانیون رسمی هستند.

از آنچه به صورت خلاصه در این بخش گفته شد درمی‌یابیم که علی‌رغم اقدامات متعدد از جانب دولت مرکزی روسیه و علی‌رغم اجرای برنامه‌های متعددی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم فرهنگ و اصول اسلامی را مورد تهاجم قرار می‌داد، مردم مسلمان جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز اسلام را فراموش ننموده‌اند و به روش‌های مختلف از جمله در چهارچوب سنت‌های قومی و محلی خود نگاه داشته‌اند. این واقعیت با فروپاشی شوروی آشکار شد.

اسلام پس از فروپاشی

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال یافتن جمهوری‌های آسیای مرکزی، مردم مشتاقانه به اصالت خویش روی آوردند و درصدد تجدید ساختارهایی برآمدند که توسط حکومت روس‌ها نابود شده بود. مردم با اشتیاق تمام به تأسیس مدارس مذهبی و بنای مساجد متعدد دست زده‌اند و با شور و شوق، در اعیاد اسلامی شرکت نموده و در صفوف نماز جماعت حضور می‌یابند. در ازبکستان، در حالی که در سال‌های قبل از استقلال ۲۰۰ مسجد وجود داشته است، هم اکنون این تعداد به ۵۰۰۰ رسیده است و دو مدرسه علمیه به ۵۰ مدرسه بالغ

شده است. در همه مراکز و شهرهای آسیای مرکزی هم اکنون مساجد در حال بنا هستند و در بسیاری جاها مدارس علمیه نیز بنا می‌شود. هم اکنون در عشق‌آباد بیش از ده مسجد بزرگ تأسیس شده یا در حال تأسیس است. بزرگ‌ترین مسجد این جمهوری به نام مسجد «ترکمنباشی» (عنوان رییس جمهوری) اخیراً در عشق‌آباد افتتاح شد. حتی در قزاقستان که جمعیت مسلمانان کمتر از نصف کل جمعیت است در همه شهرها و بسیاری روستاها مسجد تأسیس شده است.^{۱۱}

صفوف متراکم نماز جماعت در مساجد جمهوری‌ها در ماه مبارک رمضان، برگزاری نماز عید فطر به صورت باشکوه در همه جمهوری‌ها، صفوف طولانی «نماز تراویح» در شب‌های ماه رمضان در مساجد، جمعیت انبوه شرکت‌کننده در نماز عید فطر آلماتی با حضور رییس جمهور «نظربایف» و همسرش در میان جمعیت (۱۳۷۳)، نغمه‌های اذان طلاب، در مدرسه‌های علمیه سمرقند و

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال یافتن جمهوری‌های آسیای مرکزی مردم مشتاقانه به اصالت خویش روی آوردند

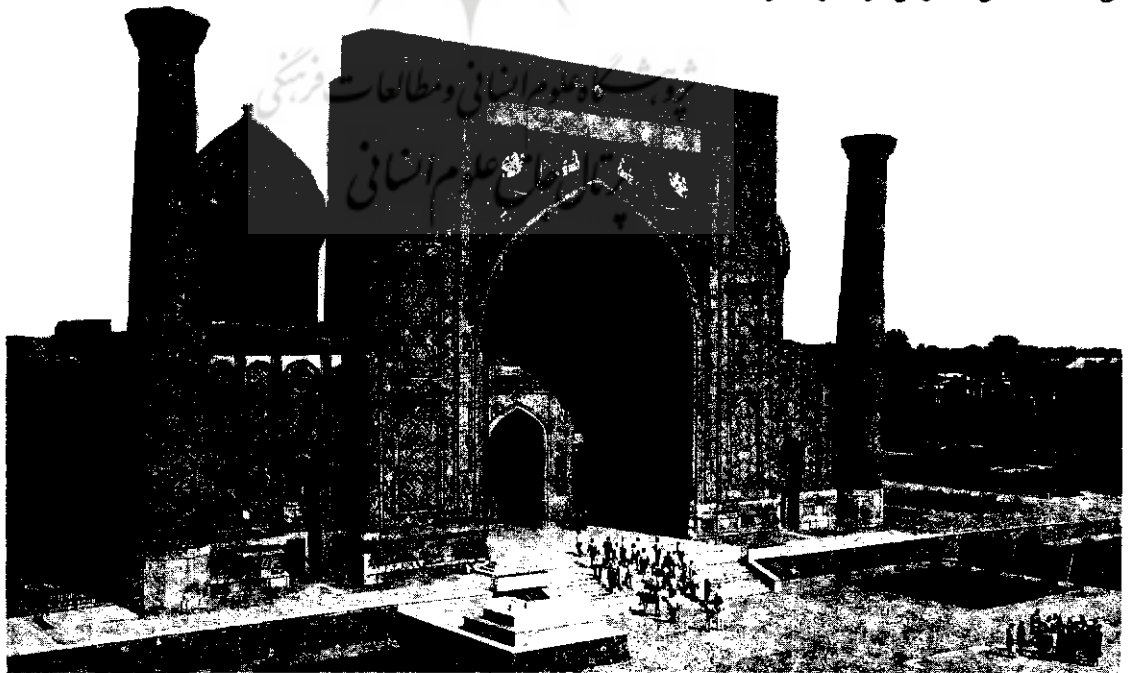
الف . ابتدا اینکه دولت روسیه مرکزی طی دهه‌های
متمادی تلاش کرده است هویت اسلامی و قومی مردم
محلّی این جمهوری‌ها را محو نماید و یک نوع فرهنگ
واحد اسلاویانی و سوسیالیستی به وجود آورد و طبیعی
است که پس از فروپاشی شوروی و استقلال یافتن این
جمهوری‌ها دولتمردان این کشور از فرصت استفاده نموده
و از اسلام نیز به عنوان ابزار اظهار هویت ملی خود
استفاده نمایند.

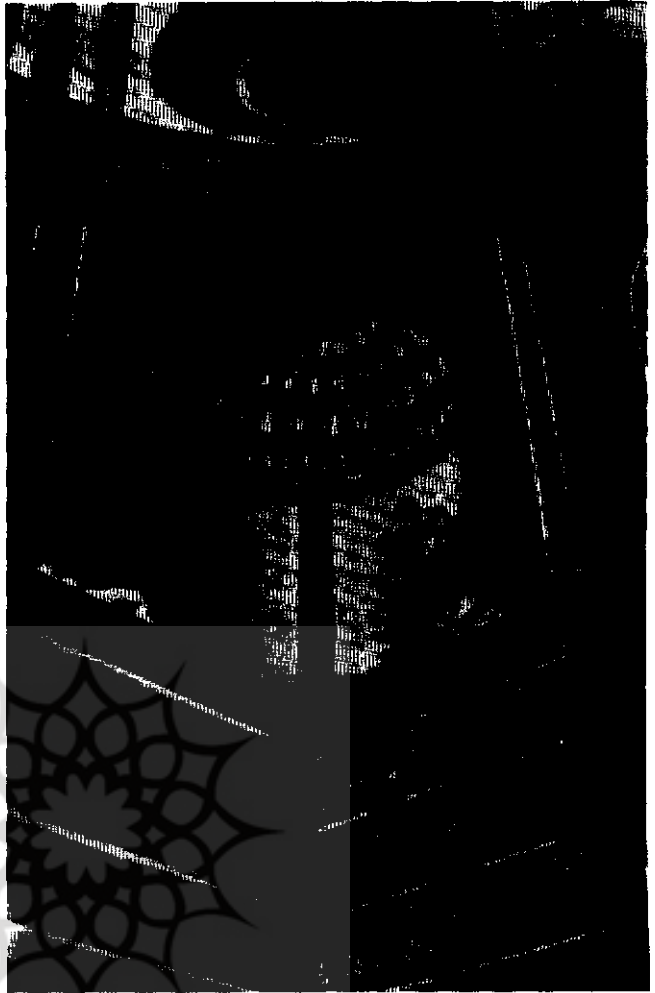
ب . توسعه‌طلبی‌ها و تمایل روسیه به حفظ سلطه
خود به صورت مداوم بر این جمهوری‌ها نیز باعث
می‌شود که این جمهوری‌ها یک هویت اقتصادی مستقل
نیز ایجاد کنند.

پ . از سوی دیگر سران این جمهوری‌ها همان
کمونیست‌های سابق هستند و بدیهی است که به دنبال
ایجاد یک جامعه مذهبی نیستند. نکته آخر اینکه سران
این جمهوری‌ها با حساسیت مواظب هستند که تبلیغات

بخارا، برگزاری نماز عید فطر در میدان لنین شهر بیشکک
در زیر مجسمه لنین که با یک دست سوی مسکو را نشانه
می‌رود، سردادن تاجیک‌ها نغمه «سال‌ها دل طلب جام
جم از ما می‌کرد...»، بر چسب‌های لا اله الا الله بر شیشه
اتومبیل‌ها در تاشکند همه و همه بیانگر این نکته است که
نه تنها مردم آسیای مرکزی اسلام را فراموش نکرده‌اند که
خود را بخشی از ملت اسلامی می‌دانند و در تلاشند که
هویت اسلامی خویش را بازسازی نمایند.

در آسیای مرکزی، مذهب (اسلام) به عنوان اساس
ایزاز هویت ملی از اهمیت خاصی برخوردار است.^{۱۲} این
واقعیت موجب شده است که سران و دولتمردان آسیای
مرکزی نه تنها مخالف شناخت بهتر اسلام در
کشورهایشان نباشند، که خود مایل به حفظ هویت
اسلامی مردمشان هستند. دولتمردان آسیای مرکزی مایلند
که ملت‌هایشان خود را به عنوان مردمی مسلمان بشناسند
با این حال به هیچ‌وجه تمایل ندارند که با یک جامعه
مذهبی روبرو شوند که مذهب‌یون داعیه‌هایی در زمینه‌های
اجتماعی و سیاسی نیز داشته باشند. نکات مختلفی را
می‌بایست در این خصوص مورد توجه قرار داد:





و تشکلی را به وجود آورد اما آذربایجانی‌ها شناخته شده هستند و تشکل‌هایی در همه جمهوری‌های آسیای مرکزی دارا هستند. منظور از آذربایجانی‌ها کسانی هستند که در دهه‌های اخیر از آذربایجان شوروی به آسیای مرکزی مهاجرت نموده‌اند. این گروه در ترکمنستان دارای تشکل کاملاً شناخته شده‌ای هستند و دارای یک مسجدی با امام شیعه در شهرهای عشق‌آباد، مرو و کراسنودسکی هستند. در تاشکند نیز این گروه به هم پیوسته‌اند و دارای تجمعات مذهبی هستند و مراسم متعددی را در کنار هم برگزار می‌نمایند. جامعه شیعیان سمرقند یک تشکل بسیار شناخته شده است که عموماً از ایرانی‌ها که در دوره مهاجرت اول ایرانیان به آسیای مرکزی (تفصیل این مطالب خواهد آمد) به این منطقه مهاجرت نموده‌اند شکل می‌گیرد. این گروه بهتر از سایر شیعیان در نقاط دیگر آسیای مرکزی هویت شیعی خود را می‌شناسند. همچنین آذری‌ها در قزاقستان حضور دارند و اخیراً مراکز فرهنگی متعددی را در شهرهای این جمهوری تأسیس نموده‌اند.^{۱۴}

رقم دقیقی از مجموع شیعیان آسیای مرکزی در دست نیست و با توجه به دهه‌های متمادی حکومت کمونیست‌ها گرفتن آمار این گروه مطرح هم نبوده است اما با حضور مستمر در جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌توان دریافت که گروه آذری‌ها و ایرانی‌الاصول‌ها در حال حاضر به عنوان یک تجمع شیعی چندانی در سطح منطقه مطرح نیست اما این نکته نیز قابل توجه است که پس از استقلال این گروه‌ها به صورت تجمعات جداگانه از اهل تسنن مراسم مذهبی خود را برگزار می‌کنند و با افزایش اطلاعات مذهبی آنها نیز می‌توانند در سطح جمهوری‌های آسیای مرکزی دارای اثر باشند.

نکته‌ای که در زمینه اسلام در آسیای مرکزی ذکرش لازم است اینکه سطح اطلاعات مذهبی در حال حاضر بسیار پایین است. این وضعیت به دلیل دهه‌های متمادی فترت (بلکه ممنوعیت) در کار ترویج و تبلیغ مذهب بوده است. علاوه بر این تبلیغات منفی نیز نسبت به دین صورت می‌گرفته است. علی‌رغم اینکه کار مساجد و اداره‌های قضایات پس از استقلال بسیار رونق یافته است و مدارس علمیه و مساجد بی‌شماری در طول همین چندین سال ساخته شده است اما سطح تحصیلات و

مذهبی در یک چهارچوب خاص انجام گیرد و در دایره اختیارات دولت انجام شود.^{۱۳} این دولتمردان به هیچ وجه تحمل داعیه گروه‌های مذهبی در زمینه‌های سیاسی را نخواهند داشت. سرکوب و تبعید گروه‌های مسلمان در ازبکستان توسط «اسلام کریم اف» رئیس جمهور این کشور و انحلال «حزب آتش» در قزاقستان نمونه‌هایی از این برخورد است. مشارکت دولتمردان این کشورها در اعیاد مذهبی و احترام به شعار اسلامی و اظهارات تشویق‌آمیزی که گاهی نسبت به مذهب صورت می‌گیرد نیز در چهارچوب استفاده از اسلام به عنوان عامل هویت‌بخش ملی توسط این حکومت‌ها قابل بررسی است.

مردم آسیای مرکزی اهل تسنن و عموماً اهل فرقه حنفی هستند. اقلیت ناچیزی از شیعیان نیز در این جمهوری‌ها هستند که آذربایجانی‌های آسیای مرکزی و ایرانی‌الاصول‌ها این اقلیت را شکل می‌دهند. شمار ایرانی‌الاصول‌ها در غیر از سمرقند آن قدر نیست که تجمع

در آسیای مرکزی، مذهب (اسلام) به عنوان اساس ابراز هویت ملی از اهمیت خاصی برخوردار است

اخبار فرهنگی قزاقستان (قزاقستان، آلماتی، سفارت جمهوری اسلامی ایران) ش ۹.

۱۲. ژیکینو برزینسکی، پیشین، ص ۱۲۱.

13. Ahmad Hassan Dani, *New light on Central Asia*, (Lahor: Song - e - Meel Publications, 1993).

۱۴. وابستگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان، بولتن اخبار فرهنگی (آلماتی، سفارت جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان) ش ۵ و ۶.

۱۵. ر. ک. به: اوکاموتو، آسیای میانه، اسلام، مجله بومیوری ژاپن، ۱۹۹۱/۳/۶، به زبان ژاپنی، بانک اطلاعات اداره کل مطبوعات خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

تعلیمات مذهبی حتی در میان روحانیون و ملاحی مساجد نیز بسیار پایین است. هم اکنون طلابی از این جمهوری‌ها به سایر کشورها چون ترکیه، مصر، عربستان و مراکش برای گذراندن دوره‌های آموزش اسلامی می‌روند. سه کشور ترکیه، مصر و عربستان فعالیت‌های گسترده‌ای را در زمینه امور مذهبی در این جمهوری‌ها آغاز کرده‌اند. از پاکستان نیز مبلغین فراوانی برای ترویج و تبلیغ اسلام به منطقه آسیای مرکزی وارد می‌شوند. پاکستان حتی دست به تأسیس دانشگاه‌های اسلامی در برخی از این جمهوری‌ها زده است. ۱۵ در زمینه همکاری‌های مذهبی و دینی با این جمهوری‌ها ترکیه نقش اساسی را دارد.

پانوشته‌ها:

۱. ر. ک. به: سیدحسن فصاحت، ترجمه بدرالزمان شهبازی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، (تهران، دفتر مطالعات بین‌المللی وزارت خارجه، تابستان ۱۳۷۳) ش ۵، ص ۱۴۴.
۲. ر. ک. به: الکساندر بیتیگسن، مسلمانان شوروی گذشته، حال، آینده (تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰).
3. Daghestani and Amerah, *Muslims in the former Soviet Union*, Amman: Center for International Studies, royal Scientific Society, 1992 pp. 7 - 21.
۴. ر. ک. به: ژیکینو برزینسکی، شکست بزرگ، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱) ص ۱۲۱.
۵. اسکندر دلدیم، اسلام در شوروی، تهران، مرکز فرهنگی - هنری اقبال لاهوری، ۱۳۶۷، ص ۶۷-۷۸.
۶. همان، ص ۸۹-۷۹.
۷. شیرین آکیتز، اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۳۵۸.
۸. ر. ک. به: مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول ص ۳، ۱۳۷۱، ص ۲۹۸.
۹. شیرین آکیتز، پیشین، ۳۵۹.
۱۰. ر. ک. به: نگاهی به ترکستان، (قزاقستان، وزارت فرهنگ جمهوری قزاقستان، ۱۹۹۵)
۱۱. وابستگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان،